

توجهی به نماز اول وقت^۱

- عَنْ قُتَيْبَةَ الْأَعَشِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ فَضْلَ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَى الْآخِرِ كَفَضْلِ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا.^۲
- حضرت صادق علیه السلام فرمودند: برتری نماز اول وقت بر نماز آخر وقت، همچون برتری آخرت بر دنیا است.
- عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اعْلَمْ أَنَّ أَوَّلَ الْوَقْتِ أَفْضَلُ، فَعَجِّلْ بِالْخَيْرِ مَا اسْتَطَعْتَ.^۳
- حضرت باقر علیه السلام به زراره فرمودند: بدان! همیشه نماز اول وقت برتر است، پس تا می توانی در این کار خیر شتاب کن.

- عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: فَضْلُ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَى الْآخِرِ خَيْرٌ لِلْمُؤْمِنِ مِنْ وُلْدِهِ وَ مَالِهِ.^۴
- حضرت صادق علیه السلام فرمودند: برای مؤمن، فضیلت (و فایده)ی اختیار کردن نماز اول وقت بر نماز آخر وقت، از مال و فرزندش بیشتر است.

- عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمْ صَلَحَكَ اللَّهُ! وَقَتُّ كُلِّ صَلَاةٍ أَوَّلُ الْوَقْتِ أَفْضَلُ أَوْ أَوْ سَطُهُ أَوْ آخِرُهُ؟ فَقَالَ: أَوَّلُهُ، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ مِنَ الْخَيْرِ مَا يُعَجَّلُ.^۵
- زراره گفت: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: خدا خیرت دهد! برای هر نماز، کدام وقت افضل است، اول، یا وسط یا آخر وقت؟ فرمودند: اول آن. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمودند: همانا خداوند عزوجل آن کار خیری را دوست دارد که در آن عجله شود.

۱- تقدیمی به یادبود مرحومه طاهره سادات شیرازی و مرحومه عذرا بروجردی، به امید دعای خیرشان برای این بی بضاعت محتاج!

۲- کافی، ج ۳، ص ۲۷۴

۳- کافی، ج ۳، ص ۲۷۴-۲۷۵

۴- مکارم الأخلاق، ص ۳۰۱

۵- کافی، ج ۳، ص ۲۷۴

○ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِذَا دَخَلَ وَقْتُ صَلَاةٍ فَتَحَتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ لِصُعُودِ الْأَعْمَالِ، فَمَا أَحَبُّ أَنْ يَصْعَدَ عَمَلٌ أَوَّلٌ مِنْ عَمَلِي، وَلَا يُكْتَبَ فِي الصَّحِيفَةِ أَحَدٌ أَوْلُ مِنِّي.^٦

○ حضرت صادق علیه السلام فرمودند: هنگامی که وقت نماز فرا می رسد، درهای آسمان برای بالا رفتن اعمال باز می شود. به همین دلیل من دوست ندارم که عملی زودتر از عمل من بالا رود، و در صحیفه ی اعمال کسی نوشته شود که از من پیشی گرفته است.

○ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُوسَى الْقَزَّازِ قَالَ: أَنَا مَعَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَيْسَ مَعَنَا ثَالِثٌ، فَقَالَ: أَذِّنْ، فَقُلْتُ: نَنْتَظِرُ يَلْحَقُ بِنَا أَصْحَابُنَا! فَقَالَ: غَفَرَ اللَّهُ لَكَ! لَا تُؤَخِّرَنَّ صَلَاةً عَنْ أَوَّلِ وَقْتِهَا إِلَى آخِرِ وَقْتِهَا مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ، عَلَيْكَ أَوَّلُ الْوَقْتِ. فَادَّيْتُ وَ صَلَّى.^٧

○ ابراهیم بن موسی گفت: من با حضرت رضا علیه السلام بودم و غیر از ما کسی نبود. حضرت رو به من کردند و فرمودند: اذان بگو. عرض کردم: اجازه می دهید منتظر بمانیم تا یاران ما نیز بیایند؟ فرمودند: خدا تو را بیامرزد! نماز اول وقت را بدون عذر تأخیر نینداز و همیشه نماز را در اول وقت بیا دار. لذا اذان گفتیم و نماز خواندیم.

○ در مناظره ای که حضرت رضا علیه السلام در حضور مأمون با عمران صابی داشتند، در میان بحث، رو به مأمون نموده، فرمودند: «الصلوة قد حَضَرْتُ» یعنی وقت نماز شد. فقال عمران: يا سيدي! لا تقطع علي مسألتني، فقد رقت قلبي. قال الرضا عليه السلام: نصلّي و نعود. عمران عرض کرد: ای آقای من! بحث و سؤال مرا قطع نکنید، زیرا قلب من آماده پذیرش شده است. اما حضرت رضا علیه السلام فرمودند: نماز می خوانیم و باز می گردیم.

○ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ صَلَّى الصَّلَاةَ الْمَفْرُوضَاتِ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا فَأَقَامَ حُدُودَهَا، رَفَعَهَا الْمَلَكُ إِلَى السَّمَاءِ بِيَضَاءٍ نَقِيَّةٍ، فَهِيَ تَهْتَفُ بِهِ: «حَفِظَكَ اللَّهُ كَمَا حَفِظْتَنِي، وَ اسْتَوْدَعَكَ اللَّهُ كَمَا اسْتَوْدَعْتَنِي مَلَكًا كَرِيمًا»، وَ مَنْ صَلَّى بَعْدَ وَقْتِهَا

^٦- تهذيب الأحكام، ج ٢، ص ٤١

^٧- الخرائج و الجرائح، ج ١، ص ٣٣٧-٣٣٨

^٨- عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ١، ص ١٧٢

مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَلَمْ يُقِمْ حُدُودَهَا رَفَعَهَا الْمَلَكُ سَوْدَاءَ مُظْلَمَةٍ، فَهِيَ تَهْتَفُ بِهِ: «ضَيَعْتَنِي، ضَيَعَكَ اللَّهُ كَمَا ضَيَعْتَنِي، وَ لَا رَعَاكَ اللَّهُ كَمَا لَمْ تَرَعْنِي»^۹.

○ حضرت صادق علیه السلام فرمودند: هر کس نمازهای واجب را در اول وقت بخواند و حدود آنها را حفظ کند، فرشته، آن نماز را در حالی که پاک و رخشان است به آسمان می‌برد و آن نماز به نمازگزار ندا می‌دهد: «خدا تو را حفظ کند آنچنان که مرا حفظ کردی، من تو را به خدا می‌سپارم همچنان که تو مرا به این فرشته گرامی سپردی». و هر کس بدون سبب و عذر، نماز را پس از وقت آن بخواند و حدودش را رعایت نکند، فرشته آن نماز را به صورت سیاه و تاریک بالا می‌برد، پس آن نماز به او ندا می‌دهد: «مرا تباہ کردی، خدا تو را تباہ کند همان گونه که مرا تباہ ساختی، و خداوند تو را مراعات و نگاهداری نکند، همانگونه که مرا نگاهداری و مراعات نکردی».

○ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الصَّلَوَاتُ الْمَفْرُوضَاتُ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا إِذَا أُقِيمَ حُدُودُهَا أَطْيَبُ رِيحًا مِنْ قَضِيبِ الْأَسِّ حِينَ يُؤْخَذُ مِنْ شَجَرِهِ فِي طَيْبِهِ وَ رِيحِهِ وَ طَرَاوَتِهِ، فَعَلَيْكُمْ بِالْوَقْتِ الْأَوَّلِ.^{۱۰}

○ حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام فرمودند: نمازهای واجبی که در اول وقت خود و با آداب و حدودش خوانده می‌شوند، خوشبوتر و با طراوت تر از شاخه (و برگ) درخت آس می‌باشند، آن هنگام که از درخت جدا می‌شود. پس بر شماست که نماز (واجب) خود را در اول وقت به جا آورید.

○ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَيُّمَا مُؤْمِنٍ حَافِظٌ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَةِ فَصَلَّاهَا لَوْ قَتَلَهَا فَلَيْسَ هَذَا مِنَ الْغَافِلِينَ.^{۱۱}

○ حضرت باقر علیه السلام فرمودند: هر مؤمنی که بر نمازهای واجب خود محافظت نماید، و آن نمازها را در وقتشان بخواند، از غافلین محسوب نمی‌شود.

^۹- روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۱۸

^{۱۰}- تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۴۰ / ثواب الاعمال، ص ۳۶

^{۱۱}- درخت آس، درختی است بلندتر از درخت انار که دارای گل و برگی معطر است.

^{۱۲}- کافی، ج ۳، ص ۲۷۰

مرحوم سید علیخان مدنی در ذیل این حدیث می نویسد: «ظاهر حدیث، در مراعات و مواظبت از وقت نماز،

مراعات بر نماز اول وقت است.»^{۱۳}

○ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي إِخْبَارِهِ عَنْ لُقْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا جَاءَ وَقْتُ صَلَاةٍ فَلَا تُؤَخِّرْهَا بِشَيْءٍ، صَلَّاهَا وَاسْتَرَحَّ مِنْهَا، فَإِنَّهَا دِينٌ.^{۱۴}

○ حضرت صادق علیه السلام نقل فرمودند که جناب لقمان در نصایحش چنین می گفت: هنگامی که وقت نماز فرا رسید، آن را به خاطر چیزی به تأخیر نینداز. نماز را بخوان و (از به جای آوردن آن و انجام وظیفه ات) آسوده خاطر شو، زیرا نماز، دینی (بر گردن تو) است.

○ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَجُلٍ يُؤَخِّرُ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا قَالَ: يَأْتِي هَذَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَوْتُورًا أَهْلُهُ وَمَالُهُ الْمَوْتُورُ، هُوَ مَنْ لَا أَهْلَ لَهُ وَلَا مَالَ لَهُ فِي الْجَنَّةِ.^{۱۵}

○ حضرت صادق علیه السلام در باره کسی که عمداً نماز خود را به تأخیر می اندازد، فرمودند: این شخص روز قیامت در حالی می آید که هیچ اهلی و هیچ مالی همراه ندارد، و در بهشت نیز برای او، اهل و مالی نیست.

○ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ بَشَّارٍ عَنْ رَجُلٍ رَفَعَهُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» قَالَ: هُمُ التُّجَّارُ الَّذِينَ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، إِذَا دَخَلَ مَوَاقِيتُ الصَّلَاةِ أَدَّوْا إِلَى اللَّهِ حَقَّهُ فِيهَا.^{۱۶}

○ حسین بن بشار از شخصی روایت می کند که امام علیه السلام در ذیل آیه ی «مردانی که هیچ تجارت و داد و ستدی آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات باز نمی دارد» فرمودند: آنان تاجران هستند که تجارت و داد و ستد آنان را از یاد خدا باز نمی دارد. هنگامی که وقت نماز فرا رسد، حق خداوند را در آن زمان ادا می کنند.

^{۱۳} - ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، ج ۶، ص ۵۰

^{۱۴} - قبس من غیاث سلطان الوری، ص ۱۰

^{۱۵} - روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۱۹

^{۱۶} - کافی، ج ۵، ص ۱۵۴

○ عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: وَإِذَا كُنْتَ فِي تِجَارَتِكَ وَحَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَلَا يَشْغَلُكَ عَنْهَا مُتَجَرِّكٌ، فَإِنَّ اللَّهَ وَصَفَ قَوْمًا وَمَدَحَهُمْ فَقَالَ: «رِجَالٌ لَا تُلْهِمُهُمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ»، وَكَانَ هَؤُلَاءِ الْقَوْمُ يَتَجَرَّوْنَ فَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ تَرَكَوْا تِجَارَتَهُمْ وَقَامُوا إِلَى صَلَاتِهِمْ، وَكَانُوا أَعْظَمَ أَجْرًا مِمَّنْ لَا يَتَجَرَّرُ فَيُصَلِّي. ١٧

○ حضرت رضا علیه السلام فرمودند: آن هنگام که به تجارت مشغولی، هرگاه وقت نماز فرا رسد، تجارت، تو را از نماز باز ندارد، زیرا خداوند گروهی را توصیف و ستایش نموده و فرمودنده است: «مردانی که نه تجارت و نه داد و ستد، آنان را از یاد خدا باز نمی‌دارد». آنان کسانی هستند که تجارت می‌کنند، اما هنگام فرا رسیدن وقت نماز، تجارت را رها کرده و به نماز می‌ایستند. پاداش آنان بیش از کسانی است که تجارت نمی‌کنند و نماز می‌خوانند.

○ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ جَاءَتْ إِلَيْهِ امْرَأَةٌ بِشَيْءٍ فَقَالَتْ: هَاكَ، هَذَا حَلَالٌ مِنْ كَسْبِ يَدِي. قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا كَانَ الْأَذَانُ وَفِي يَدِكَ فَضْلٌ تَقُولِينَ حَتَّى أَفْرُغَ مِنْهُ ثُمَّ اتَّوَضَأْ وَأُصَلِّ؟ قَالَتْ: نَعَمْ. قَالَ: فَلَيْسَ كَمَا قُلْتِ. ١٨

○ در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله زنی مقداری کالا نزد آن حضرت آورد و گفت: بفرمایید! این حلال است و از دست رنجم است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر کار نیمه تمامی هنگام اذان در اختیار داشته باشی، آیا نمی‌گویی: این کار تمام شود، و بعد وضو بگیرم و نماز بخوانم؟ آن زن پاسخ داد: بله. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: پس آن‌گونه که می‌گویی، نیست.

○ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُؤْمِنٌ فَقِيرٌ شَدِيدٌ الْحَاجَةِ مِنْ أَهْلِ الصُّفَّةِ، وَكَانَ مُلَازِمًا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ كُلِّهَا، لَا يَفْقِدُهُ فِي شَيْءٍ مِنْهَا، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَبْرُقُ لَهُ وَيَنْظُرُ إِلَى حَاجَتِهِ وَغَرْبَتِهِ، فَيَقُولُ: يَا سَعْدُ! لَوْ قَدْ جَاءَنِي شَيْءٌ لَأَغْنَيْتَكَ. قَالَ: فَأَبْطَأَ ذَلِكَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَاشْتَدَّ غَمُّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِسَعْدٍ، فَعَلِمَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مَا دَخَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ مِنْ غَمِّ لِسَعْدٍ، فَاهْبَطَ عَلَيْهِ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَعَهُ دَرَاهِمَانِ، فَقَالَ لَهُ: يَا مُحَمَّدُ!

١٧- فقه الرضا عليه السلام، ص ٢٥١

١٨- مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ٢٥٧ به نقل از نُبِّ اللَّبَابِ رَاوَنَدِي

إِنَّ اللَّهَ قَدْ عَلِمَ مَا قَدْ دَخَلَكَ مِنَ الْغَمِّ لِسَعْدٍ، أَمْ تَحِبُّ أَنْ تُغْنِيَهُ؟ فَقَالَ: نَعَمْ. فَقَالَ لَهُ: فَهَكَ هَذَيْنِ الدَّرْهَمَيْنِ فَأَعْطِهِمَا إِيَّاهُ
وَمُرَّهُ أَنْ يَتَجَرَّ بِهِمَا. قَالَ: فَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ خَرَجَ إِلَى صَلَاةِ الظُّهْرِ، وَسَعْدٌ قَائِمٌ عَلَى بَابِ
حُجْرَاتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَنْتَظِرُهُ. فَلَمَّا رَأَاهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: يَا سَعْدُ! أَمْ تَحْسِنُ
التَّجَارَةَ؟ فَقَالَ لَهُ سَعْدٌ: وَاللَّهِ مَا أَصْبَحْتُ أَمْلِكُ مَالًا أَتَجَرُّ بِهِ! فَأَعْطَاهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الدَّرْهَمَيْنِ وَقَالَ لَهُ:
أَتَجَرُّ بِهِمَا وَتَصَرَّفُ لِرِزْقِ اللَّهِ. فَأَخَذَهُمَا سَعْدٌ وَمَضَى مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى صَلَّى مَعَهُ الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ،
فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قُمْ فَاطْلُبِ الرِّزْقَ، فَقَدْ كُنْتُ بِحَالِكَ مَغْتَمًّا يَا سَعْدُ! قَالَ: فَأَقْبَلَ سَعْدٌ لَمْ يَشْتَرِ بِدَرَاهِمِهِمْ
شَيْئًا إِلَّا بَاعَهُ بِدَرْهَمَيْنِ، وَلَا يَشْتَرِي شَيْئًا بِدَرْهَمَيْنِ إِلَّا بَاعَهُ بِأَرْبَعَةِ دَرَاهِمٍ، فَأَقْبَلَتْ الدُّنْيَا عَلَى سَعْدٍ فَكَثُرَ مَتَاعُهُ وَمَالُهُ،
وَعَظُمَتْ تِجَارَتُهُ، فَاتَّخَذَ عَلَى بَابِ الْمَسْجِدِ مَوْضِعًا وَجَلَسَ فِيهِ، فَجَمَعَ تِجَارَتَهُ إِلَيْهِ، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
آلِهِ إِذَا أَقَامَ لِلصَّلَاةِ يَخْرُجُ وَ سَعْدٌ مَشْغُولٌ بِالدُّنْيَا لَمْ يَنْتَظِرْهُ وَ لَمْ يَنْتَظِرْهُ لَمْ يَنْتَظِرْهُ لَمْ يَنْتَظِرْهُ لَمْ يَنْتَظِرْهُ لَمْ يَنْتَظِرْهُ لَمْ يَنْتَظِرْهُ لَمْ يَنْتَظِرْهُ
النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: يَا سَعْدُ! شَغَلْتِكَ الدُّنْيَا عَنِ الصَّلَاةِ! فَكَانَ يَقُولُ: مَا أَصْنَعُ أُضِيعُ مَالِي، هَذَا رَجُلٌ قَدْ بَعَثَهُ
فَارِيدُ أَنْ أَسْتَوْفِيَ مِنْهُ، وَ هَذَا رَجُلٌ قَدْ اشْتَرَيْتَ مِنْهُ فَارِيدُ أَنْ أُوفِيَهُ.

قَالَ: فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ أَمْرِ سَعْدٍ غَمٌّ أَشَدُّ مِنْ غَمِّهِ بِفَقْرِهِ، فَهَبَطَ عَلَيْهِ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ:
يَا مُحَمَّدُ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ عَلِمَ غَمَّكَ بِسَعْدٍ، فَايْمًا أَحَبُّ إِلَيْكَ، حَالُهُ الْأَوْلَى أَوْ حَالُهُ هَذِهِ؟ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:
يَا جِبْرِئِيلُ، بَلْ حَالُهُ الْأَوْلَى قَدْ أَذْهَبَتْ دُنْيَاهُ بِأَخْرَتِهِ. فَقَالَ لَهُ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا وَالْأَمْوَالَ فِتْنَةٌ وَ
مَشْغَلَةٌ عَنِ الْآخِرَةِ، قُلْ لِسَعْدٍ: يَرُدُّ عَلَيْكَ الدَّرْهَمَيْنِ الَّذِينَ دَفَعْتَهُمَا إِلَيْهِ، فَإِنَّ أَمْرَهُ سَيَصِيرُ إِلَى الْحَالَةِ الَّتِي كَانَ عَلَيْهَا
أَوْلًا. قَالَ: فَخَرَجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَمَرَّ بِسَعْدٍ فَقَالَ لَهُ: يَا سَعْدُ! أَمَا تُرِيدُ أَنْ تُرَدَّ عَلَى الدَّرْهَمَيْنِ الَّذِينَ
أَعْطَيْتَهُمَا؟ فَقَالَ سَعْدٌ: بَلَى وَمَاتَيْنِ. فَقَالَ لَهُ: لَسْتُ أُرِيدُ مِنْكَ يَا سَعْدُ إِلَّا الدَّرْهَمَيْنِ، فَأَعْطَاهُ سَعْدٌ دَرْهَمَيْنِ. قَالَ:
فَادْبَرَتْ الدُّنْيَا عَلَى سَعْدٍ حَتَّى ذَهَبَ مَا كَانَ جَمَعَ وَ عَادَ إِلَى حَالِهِ الَّتِي كَانَ عَلَيْهَا.^{١٩}

○ ابو بصیر از حضرت باقر علیه السلام روایت می‌کند که فرمودند: در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله مؤمن تنگدست بسیار نیازمندی از اهل صُفه به نام سعد بود که همه ی نمازهایش را بدون استثنا همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله می خواند. رسول خدا صلی الله علیه و آله با مشاهده ی تهیدستی و غریبی او، دلش به حال وی می سوخت و می‌فرمودند: ای سعد! اگر چیزی به دستم رسید، تو را بی‌نیاز خواهم کرد. مدتی گذشت و چیزی به دست رسول خدا صلی الله علیه و آله نرسید. این وضعیت بر اندوه ایشان نسبت به سعد افزود. خداوند سبحان با آگاهی از اندوه رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به سعد، جبرئیل را با دو درهم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاد و به آن حضرت گفت: ای محمد! همانا خداوند از اندوه تو برای سعد آگاه است. آیا دوست داری او را بی‌نیاز کنی؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: بله. جبرئیل گفت: این دو درهم را بگیر، به سعد ببخش و به او دستور بده با آنها تجارت کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله آن دو درهم را گرفت و برای نماز ظهر بیرون آمد. سعد نزدیک در خانه ی رسول خدا صلی الله علیه و آله منتظر ایشان بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله با مشاهده ی سعد فرمودند: ای سعد! آیا می‌توانی خوب تجارت کنی؟ سعد گفت: به خدا سوگند تا کنون مالی نداشته‌ام که با آن تجارت کنم. رسول خدا صلی الله علیه و آله دو درهم را به وی دادند و فرمودند: با این دو درهم تجارت و روزی خدا را به سوی خود جذب کن. سعد دو درهم را گرفت و نماز ظهر و عصر را همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله خواند. پس از نماز عصر، رسول خدا صلی الله علیه و آله به وی فرمودند: ای سعد! در جستجوی روزی به پاخیز، که من نسبت به تو اندوه‌گینم. سعد وارد بازار شد. هر چه را به یک درهم می‌خرید به دو درهم می‌فروخت، و هر چه را به دو درهم می‌خرید به چهار درهم می‌فروخت. به این صورت دنیا به سعد روی آورد، و مال و ثروتش زیاد شد و تجارتش بالا گرفت. وی نزدیک مسجد جایی گرفت و در آنجا مشغول تجارت گردید. وقتی بلال اذان می‌گفت، رسول خدا صلی الله علیه و آله برای نماز بیرون می‌آمدند، ولی سعد برخلاف گذشته مشغول دنیا بود و هنوز وضو نگرفته بود و آماده ی نماز نشده بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله به وی فرمودند: ای سعد! دنیا تو را

از نماز بازداشته! سعد می‌گفت: چه کنم؟ آیا مالم را تباه کنم؟ به این یکی جنس فروخته‌ام و می‌خواهم پولش را بگیرم و از آن یکی جنس خریده‌ام و می‌خواهم پولش را به وی بپردازم.

مشاهده‌ی وضعیت سعد برای رسول خدا صلی الله علیه و آله اندوه بارترا از مشاهده‌ی تنگدستی و فقر وی در گذشته بود. از این رو جبرئیل بر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرود آمد و گفت: ای محمد! خداوند از اندوه تو نسبت به سعد آگاه است. وضعیت گذشته‌ی وی برای تو محبوب‌تر است یا وضع کنونی او؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای جبرئیل! بلکه وضع گذشته‌ی وی برای من محبوب‌تر است. دنیای سعد آخرتش را بر باد داد! جبرئیل گفت: همانا دو سستی دنیا و اموال، فریبنده و باعث فراموشی آخرت است. به سعد بگوید: دو درهمی را که به وی دادی به شما بازگرداند؛ چرا که کارش را به سرعت به وضعیت گذشته بازمی‌گرداند. وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله بیرون رفتند و با سعد دیدار کردند، به وی گفتند: ای سعد! آیا نمی‌خواهی دو درهمی را که به تو دادم به من بازگردانی؟ سعد گفت: آری؛ بلکه به جای آن دو درهم، دو بیست درهم می‌دهم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای سعد! من فقط آن دو درهم را می‌خواهم. سعد دو درهم به رسول خدا صلی الله علیه و آله داد. پس از آن دنیا از سعد روی گرداند تا همه اموالش از دست رفت و به همان وضعیت پیشین بازگشت.

○ عَنْ أَبِي أُمَامَةَ الْبَاهِلِيِّ قَالَ: إِنَّ ثَعْلَبَةَ بْنَ حَاطِبِ بْنِ الْأَصَارِيِّ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ «يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَدْعُ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِي مَالًا. فَقَالَ الرَّسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَيَحْكُ يَا ثَعْلَبَةُ! اذْهَبْ وَاقْنَعْ بِمَا عِنْدَكَ، فَإِنَّ الشَّاكِرَ أَحْسَنُ مَنْ لَهُ مَالٌ كَثِيرٌ لَا يَشْكُرُهُ. فَذَهَبَ وَرَجَعَ بَعْدَ أَيَّامٍ وَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَدْعُ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يُعْطِيَنِي مَالًا. فَقَالَ الرَّسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَيْسَ لَكَ بِي أَسْوَةٌ؟ فَإِنِّي بَعِزَّةٌ عَرَشِ اللَّهِ لَوْ شِئْتُ لَصَارَتْ جِبَالُ الْأَرْضِ لِي ذَهَبًا وَفِضَّةً، فَذَهَبْتُ ثُمَّ رَجَعْتُ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! سَلِ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يُعْطِيَنِي مَالًا، فَإِنِّي أُوَدِّي حَقَّ اللَّهِ وَ أُوَدِّي حُقُوقًا وَأَصِلُ بِهِ الرَّحِمَ. فَقَالَ الرَّسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اللَّهُمَّ اعْطِ ثَعْلَبَةَ مَالًا!

وَكَانَ لثَعْلَبَةَ غُنَيْمَاتٌ فَبَارَكَ اللَّهُ فِيهَا حَتَّى تَتَزَايِدَ كَمَا تَتَزَايِدُ النَّمْلُ. فَلَمَّا كَثُرَ مَالُهُ كَانَ يَتَعَاهَدُهُ بِنَفْسِهِ، وَكَانَ قَبْلَهُ يُصَلِّي الصَّلَوَاتِ الْخَمْسَ فِي الْمَسْجِدِ مَعَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَبَنَى مَكَانًا خَارِجَ الْمَدِينَةِ لِأَغْنَامِهِ، فَصَارَ يُصَلِّي الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ مَعَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَلَاةَ الصُّبْحِ وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ، ثُمَّ زَادَتْ الْأَغْنَامُ فَخَرَجَ إِلَى دَارٍ كَبِيرٍ بَعِيدٍ عَنِ الْمَدِينَةِ، فَبَنَى مَكَانًا فَذَهَبَ مِنْهُ الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ وَالصَّلَاةُ فِي الْمَسْجِدِ وَالْجَمَاعَةِ وَالْإِقْتِدَاءُ بِالرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَكَانَ يَأْتِي الْمَسْجِدَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ لِمُصَلَاةِ الْجُمُعَةِ، فَلَمَّا كَثُرَ مَالُهُ ذَهَبَ مِنْهُ صَلَاةُ الْجُمُعَةِ، فَكَانَ يَسْأَلُ عَنْ أَحْوَالِ الْمَدِينَةِ مِمَّنْ يَمُرُّ عَلَيْهِ. فَقَالَ الرَّسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا صَنَعَ ثَعْلَبَةُ؟ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ لَهُ أَغْنَامًا لَا يَسْعُهَا وَادٍ، فَذَهَبَ إِلَى الْوَادِي الْفُلَانِي وَبَنَى فِيهِ مَنزِلًا وَأَقَامَ فِيهِ. فَقَالَ الرَّسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا وَيْحَ ثَعْلَبَةَ، يَا وَيْحَ ثَعْلَبَةَ ثَلَاثًا.^{٢٠}

○ ابو امامه ی باهلی گفت: روزی ثعلبه ی انصاری نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا! در پیشگاه خدا برای من دعا کنید تا مالی به من عنایت فرماید. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای ثعلبه! وای بر تو! برو و به آنچه داری قناعت کن، چرا که انسانِ سپاس گزار بهتر از ثروتمندِ ناسپاس است. ثعلبه رفت و پس از چند روز بازگشت و گفت: ای رسول خدا! از خدا بخواهید که مالی به من عطا کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: آیا من الگوی تو نیستم؟ به عزت عرش خداوند سوگند! اگر من می خواستم، کوه های زمین برایم طلا و نقره می گردید. ثعلبه رفت، سپس برای بار سوم بازگشت و گفت: ای رسول خدا! از خدا بخواهید که مالی به من دهد؛ چرا که در این صورت من حق خدا و حقوق دیگران را پرداخت خواهم کرد و به خویشاوندانم نیکی خواهم نمود. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خدایا! به ثعلبه مال فراوانی عنایت کن!

ثعلبه تعداد اندکی گوسفند داشت. با دعای رسول خدا صلی الله علیه و آله خداوند به آنها برکت داد و همانند مورچه شروع به زیاد شدن کردند. ثعلبه پیش از افزایش اموالش، نمازهای پنجگانه را همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله

^{٢٠}- مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ٢٥٦-٢٥٧ به نقل از تفسیر ابوالفتح رازی

در مسجد آن حضرت می خواند. با افزایش گوسفندان ثعلبه، وی ناچار شد محلی خارج از مدینه برای آنها بسازد و چون شخصاً کارهای گوسفندان را انجام می داد، از آن پس در نماز ظهر و عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله شرکت می کرد و نماز صبح و مغرب و عشا را در همان محل به جا می آورد. سپس با افزایش گوسفندان از آنجا به خانه بزرگ تری در خارج مدینه منتقل شد و از آن پس در هیچ یک از نمازهای جماعت رسول خدا صلی الله علیه و آله شرکت نمی کرد و تنها در نماز جمعه شرکت می کرد. با افزایش اموالش، از نماز جمعه نیز محروم گردید و از رهگذران از حوادث مدینه سؤال می کرد. روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ثعلبه چه کرد؟ گفتند: ای رسول خدا! وی به قدری گوسفند دارد که هیچ یک از دره ها گنجایش آنها را ندارد؛ از این رو به فلان دره رفته، در آنجا منزلی ساخته و اقامت کرده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله سه مرتبه فرمودند: افسوس بر ثعلبه!

○ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ: قَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا فُلَانُ! إِذَا دَخَلَ الْوَقْتُ عَلَيْكَ فَصَلِّهَا، فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا يَكُونُ.^{۲۱}

○ حضرت رضا علیه السلام فرمودند: ای فلانی! هرگاه وقت نماز شد، آن را به جا آور، زیرا نمی دانی که (بعد از آن)، چه اتفاقی می افتد.

○ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَحَبُّ الْوَقْتِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَوَّلُهُ حِينَ يَدْخُلُ وَقْتُ الصَّلَاةِ، فَصَلِّ الْفَرِيضَةَ.^{۲۲}

○ حضرت باقر علیه السلام فرمودند: وقتی وقت نماز شد، بهترین زمان برای نماز خواندن در پیشگاه الهی، اول وقت است؛ پس در این هنگام، نماز واجب را به جا آور.

○ عَنْ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الصَّلَاةُ فِي أَوَّلِ الْوَقْتِ أَفْضَلُ.^{۲۳}

○ حضرت رضا علیه السلام فرمودند: نماز در اول وقت، فضیلت بیشتری دارد.

^{۲۱}- وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۱۱۹ به نقل از تهذیب الاحکام

^{۲۲}- تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۲۵

^{۲۳}- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲۳

○ عَنْ أَبِي بَكْرٍ بْنِ عِيَّاشٍ عَنِ الْفُجَيْعِ الْعُقَيْلِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: أَوْصِيكَ يَا بُنَيَّ بِالصَّلَاةِ عِنْدَ وَقْتِهَا. ٢٤

○ حضرت مجتبی علیه السلام از پدر گرامی شان، امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کنند که فرمودند: پسر من! تو را به خواندن نماز در هنگامی که وقت آن شد، توصیه می کنم.

○ قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» قَالَ: تَأْخِيرُ الصَّلَاةِ عَنْ أَوَّلِ وَقْتِهَا لِغَيْرِ عُدْرٍ. ٢٥

○ حضرت صادق علیه السلام ذیل این آیه الهی: «پس وای بر نماز گزاران! آنان که از نمازشان غافل و به آن بی اعتنایند» فرمودند: منظور به تأخیر انداختن نماز از اول وقت آن، بدون هیچ دلیل و عذری است.

○ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ: لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! أَخْبِرْنِي عَنْ أَفْضَلِ الْمَوَاقِيتِ فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ؟ قَالَ: مَعَ طُلُوعِ الْفَجْرِ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: «إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا» يَعْنِي صَلَاةَ الْفَجْرِ، تَشْهَدُهَا مَلَائِكَةُ النَّهَارِ وَمَلَائِكَةُ اللَّيْلِ، فَإِذَا صَلَّى الْعَبْدُ صَلَاةَ الصُّبْحِ مَعَ طُلُوعِ الْفَجْرِ اثْبَتَتْ لَهُ مَرَّتَيْنِ، تُثَبِّتُهَا مَلَائِكَةُ اللَّيْلِ وَمَلَائِكَةُ النَّهَارِ. ٢٦

○ اسحاق بن عمار نقل می کند که به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: ای ابا عبد الله! مرا از بهترین وقت برای خواندن نماز صبح آگاه فرما. فرمودند: هنگام طلوع فجر، زیرا خداوند متعال می فرماید: «إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا»؛ یعنی «همانا قرآن فجر، مورد شهادت قرار می گیرد»، و مقصود (از قرآن فجر) نماز فجر است که فرشتگان روز و فرشتگان شب به آن شهادت می دهند، زیرا وقتی بنده ای نماز صبح خود را به هنگام طلوع فجر بخواند، دو بار (در نامه اعمال او) نوشته می شود، هم فرشتگان روز می نویسند و هم فرشتگان شب.

٢٤- امالی مفید، ص ٢٢١

٢٥- تفسیر القمی، ج ٢، ص ٤٤٤

٢٦- تهذیب الأحکام، ج ٢، ص ٣٧ / ثواب الأعمال، ص ٣٦

○ عَنْ رُزَيْقٍ، قَالَ: كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُصَلِّيُ الْغَدَاةَ بَغْلَسٍ عِنْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ الصَّادِقِ أَوَّلَ مَا يَبْدُو، وَ قَبْلَ أَنْ يَسْتَعْرِضَ، وَ كَانَ يَقُولُ: «وَقُرْآنَ الْفَجْرِ، إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً»، إِنَّ مَلَائِكَةَ اللَّيْلِ تَصْعَدُ، وَ مَلَائِكَةُ النَّهَارِ تَنْزِلُ عِنْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ، فَأَنَا أَحَبُّ أَنْ تَشْهَدَ مَلَائِكَةُ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ صَلَاتِي.^{٢٧}

○ رُزَيْقٌ كَفَتْ: حَضْرَتِ صَادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامِ، نَمَازِ صَبِيحِ رَا فَوْرًا بَعْدَ از طُلُوعِ فَجْرِ صَادِقِ، وَ قَبْلَ از گسْتَرْدِه شَدْنِ سَفِيْدِي آن در آسْمَانِ مِي خَوَانْدَنْدِ وَ بِهَ اَيْنِ آيَه: «وَقُرْآنَ الْفَجْرِ، إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً»؛ يَعْنِي: «وَقُرْآنَ فَجْرِ رَا بَرِيَا دَارِ، هَمَا نَا قُرْآنَ فَجْرِ، مُورِدِ شَهَادَتِ قَرَارِ مِي گِيْرِدِ» اسْتِنَادِ نَمُودِه، مِي فَرْمُودَنْد: هَنْگَامِ طُلُوعِ فَجْرِ، فَرَشْتِگَانِ شَبِّ، بِاَلَا مِي رُوْنْدِ، وَ فَرَشْتِگَانِ رُوْزِ، نَازِلِ مِي شُوْنْدِ، لَذَا مِنْ دُوْسْتِ دَارِمِ كِهَ فَرَشْتِگَانِ شَبِّ وَ رُوْزِ، بِهَ نَمَازِ مِنْ شَهَادَتِ دِهَنْدِ.